

واکاوی فقهی تسهیل حج بر بانوان از جهت تأمین امنیت

مهدی ساجدی*

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی مشکل امنیت بانوان در سفر حج پرداخته و راهکار ارائه شده جهت حل این مشکل را از جهت فقهی مورد بررسی قرار داده است. نتیجه حاصل از این پژوهش که به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی صورت پذیرفته این است که همراهی محرم یا فرد مورد اعتماد در سفر حج، تا حد زیادی می‌تواند برای بانوان امنیت خاطر ایجاد نماید. مشهور فقها همراهی محرم در سفر حج را واجب نمی‌دانند، البته معتقدند در صورت نیاز، همراهی محرم ولو با پرداخت اجرت، واجب است، اما به نظر می‌رسد موافقت با این عقیده به آسانی میسر نیست، زیرا مستفاد از آیات و روایات این است که ظن به سلامت سفر، از شرایط تحقق استطاعت است و همراهی داوطلبانه محرم می‌تواند محقق این شرط باشد. بنابراین باید معتقد شد مطالبه همراهی محرم و پرداخت اجرت واجب نیست و در فرض همراهی داوطلبانه، شرط تحقق استطاعت برای مکلف، مالک بودن هزینه سفر خود و همراه است. البته سازمان حج به عنوان متولی امر حج می‌تواند با همراه نمودن افراد امین و توانا با بانوان در کاروان‌های زیارتی حج هنگام رفتن به حرم و در زمان انجام مناسک، اطمینان خاطر از امنیت و سلامت را برای آنان فراهم کند.

کلید واژه‌ها: مناسک حج، همراهی محرم، استطاعت، امنیت

*. عضو گروه فقه و حقوق پژوهشکده حج و زیارت، mehdisajedi85@yahoo.com

از جمله مشکلاتی که بانوان در مسیر انجام مناسک حج با آن روبه‌رو هستند، احساس ناامنی است. به دلیل ناآشنا بودن زائران با محیط سرزمین وحی و محل انجام مناسک و نیز شایع بودن برخی عقاید ضدّ شیعی در این سرزمین و ترویج آن توسط برخی از علمای مذهبی این کشور، به‌طور طبیعی بانوان و به خصوص افرادی که به‌تنهایی و بدون همراهی محرم به سفر حج مشرف می‌شوند، دچار احساس ناامنی می‌شوند. جهت رفع مشکل فوق، راهکار ارائه شده؛ یعنی همراهی محرم با بانوی حج‌گزار را به‌تفصیل مورد بررسی فقهی قرار می‌دهیم.

شرط همراهی محرم و نقش آن در تحقق استطاعت

روشن است با تحقق استطاعت و فراهم شدن شرایط وجوب، فریضه حج بر عهده مکلف قرار می‌گیرد و او موظف است نسبت به تهیه مقدمات سفر و اموری که انجام این فریضه را برای وی میسر می‌گرداند اقدام نماید.

از شرطی که در بحث وجوب حج در مورد بانوان در کتب فقهی مورد بحث و گفتگو واقع شده، شرط همراهی محرم است. از تتبع در کلمات فقها در مورد این شرط، به دست می‌آید که تمامی فقها معتقدند در فرضی که امنیت برای بانوی حج‌گزار فراهم است و وی گمان به سلامت نسبت به سفر حج دارد، همراه بودن محرم با وی شرط وجوب حج نیست. اما اگر نسبت به این سفر احساس امنیت ندارد، همراهی محرم واجب می‌گردد. (برای نمونه ر. ک. حلی (علامه)، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۹۳؛ حلی (محقق)، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۲۷۱؛ مکی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۱۵؛ ابن فهد، ۱۴۰۹ق، ص ۱۹۵؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۴۸۴) با این وجود، نسبت به شرط یاد شده، سؤالاتی پیش می‌آید که لازم است مورد بررسی قرار گیرند. این سؤالات عبارت‌اند از:

۱. آیا همراهی محرم از شروط تحقق استطاعت به حساب می‌آید یا از مقدمات وجودی حج؟
۲. در صورتی که همراه، مطالبه وجه نماید آیا مکلف باید با پرداخت وجه، اقدام به حج نماید یا حج از عهده او ساقط است؟ و در فرض لزوم پرداخت، حد پرداخت واجب چقدر است؟

۳. آیا محرم بودن همراه، موضوعیت دارد یا صرف همراهی فرد مورد اعتماد و اطمینان کافی است؟

۴. چنانچه بانوی حج گزار با اعتقاد به نبود امنیت و سلامت اقدام به حج نماید، در فرض کشف خلاف، حکم حج او چیست؟ همچنین اقدام به حج در چنین فرضی چه حکمی دارد؟

قبل از پاسخ به پرسش‌های فوق، مناسب است تبعی در آرای فقها صورت دهیم:

تتبع در آرای فقها و نقد برخی اقوال

علامه حلی^{رحمته} در «تحریر الاحکام» در ارتباط با شرایط وجوب حج می‌نویسند:

«شرایط وجوب حج در مورد مرد، همان شرایط وجوب در مورد زن است و هرگاه تمامی شرایط فراهم شود، بر زن حج واجب می‌شود، هرچند با او در سفر حج، محرم نباشد. البته اگر فرد امینی را نیابد و نسبت به سفر با همراهان، خائف باشد، وجوب حج مشروط به همراهی محرم یعنی زوج یا فردی که ازدواج با او برایش حرمت ابدی دارد می‌گردد. مخارج محرم در صورت نیاز به همراهی بر عهده زن است، از این رو، شرط استطاعت آن دو (زن و محرم همراه) علاوه بر موارد گذشته این است که مخارج سفر خود و همراه را مالک باشد. در صورتی که باوجود پرداخت هزینه، محرم از همراهی امتناع ورزد، آن زن مانند کسی است که محرم ندارد و اگر توان پرداخت هزینه‌اش را ندارد حج بر او واجب نیست»^۱ (حلی (علامه)، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۹۳).

کلام علامه^{رحمته} ظهور دارد در اینکه همراهی محرم در فرض خوف، در تحقق استطاعت شرط است؛ زیرا ایشان فرموده‌اند:

«اگر فرد امینی را نیابد و نسبت به سفر حج خائف باشد، وجوب حج مشروط به همراهی محرم می‌گردد و مخارج همراه محرم بر عهده اوست.»

در حالی که اگر ایشان معتقد بود همراهی محرم از مقدمات وجودی حج است باید می‌فرمود:

۱. «شرائط الوجوب في الرجل هي شرائطه في المرأة فإذا اجتمعت الشرائط وجب عليها الحج وإن لم يكن لها محرم ولو لم تجد الثقة وخافت من المرافق اشترط المحرم وهو الزوج أو من تحرم عليه على التأييد... نفقة المحرم في محل الحاجة إليه عليها فيشترط في استطاعتها ملك زاده و راحلته زيادة على ما تقدم ولو امتنع المحرم من الحج مع بذلها له النفقة فهي كالفاقدة المحرم ولو احتاجت إليه لعدم النفقة والحاجة إلى الرفيق فالوجه أنه لا يجب عليه إجابتها»

«در وجوب حج بر مکلف همراهی محرم شرط نیست و در صورتی که نسبت به سفر با همراهان خائف باشد، همراه نمودن محرم و لو با پرداخت اجرت واجب است.» علاوه بر اینکه ایشان مالک بودن مخارج سفر خود و همراه را نیز در تحقق استطاعت شرط دانسته است. از کلام شهید اول رحمته الله در دروس و جناب ابن فهد رحمته الله نیز همین مطلب فهمیده می شود.^۱ (مکی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۱۵ و حلی (ابن فهد)، ۱۴۰۹، ص ۱۹۵)

اما به نظر می رسد شارح کلام علامه رحمته الله جناب فخر المحققین رحمته الله نظر دیگری در این باره دارد و اعتقاد ایشان بر این است که همراهی محرم و پرداخت اجرت در صورت نیاز، از باب وجوب فراهم نمودن مقدمات حج بر بانوی حج گزار واجب است. ایشان می فرماید:

«زن در شرایط استطاعت مانند مرد است و اگر نسبت به سفر حج خائف بوده یا نیازمند محرم باشد و محرمی نیابد، حج از او ساقط می شود و وجود محرم در صورت بی نیازی از همراهی، شرط وجوب حج نیست و در فرض نیاز اگر تنها با پرداخت اجرت حاضر به همراهی باشد و زن، قادر بر پرداخت آن باشد، پرداخت اجرت واجب است.» (حلی (محقق)، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۷۱)^۲

در مقابل این نظر، مرحوم کاشف الغطاء رحمته الله معتقد است وجود محرم شرط تحقق استطاعت است ایشان فرموده:

«در استطاعت علاوه بر آنچه گفته شد وجود محرم با زن در صورت نیاز به همراهی، شرط است مثل اینکه زن نجابت دارد یا از هتک حرمت خود بیمناک است ولی اگر از محرم و خدمتکار بی نیاز است، حج بر او واجب است.»^۳ (کاشف الغطاء، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۴۸۴). صاحب جواهر رحمته الله بین همراهی محرم و تحصیل اصل محرم تفکیک قائل شده است.

۱. «و ثالثها: المحرم في النساء إلا مع الحاجة، و أجرته و نفقته جزء من الاستطاعة، و لا يجب على المحرم الإجابة».

و نیز جناب ابن فهد در الرسائل العشر فرموده: «و لا يُشترط الرجوع إلى كفاية، ... و لا المحرم في المرأة مع ظن السلامة و مع الحاجة اليه و عدم تبرعه تكون أجرته و نفقته جزءا من الاستطاعة».

۲. «و المرأة كالرجل في الاستطاعة و لو خافت المكابرة أو احتاجت الى محرم و تعذر سقط و ليس المحرم مع الغناء شرطا و لو تعذر الالبال مع الحاجة و جب مع المكنة».

۳. «و يُعتبر في الاستطاعة مضافاً إلى ما سبق وجود المحرم مع المرأة إن كانت ممن تحتاج إليه، لنجابتها، أو من جهة الخوف على هتك حرمتها، و إلا اكتفت بنفسها مع استغنائها، عن غيرها أو بمن يقوم بخدمتها، و يجب عليها».

ایشان همراهی محرم را از مقدمات وجودی حج می‌داند و معتقد است پرداخت اجرت برای به دست آوردن همراه، واجب است اما در مورد وجوب تحصیل اصل محرم اظهار تردید نموده و فرموده است:

«در وجوب حج بعد از اینکه اسباب وجوب حاصل شد، فرقی بین زن و مرد و خنثی نیست. بنابراین، در صورتی که زن در سفر حج به همراهی محرم نیازمند نباشد و به واسطه همراهی با افراد ثقه و قابل اعتماد یا به هر دلیل دیگر ظن غالب نسبت به تحقق امنیت نسبت به جان و آبرو و عفت خویش داشته باشد، بدون هیچ اختلافی بین فقهای شیعه، حج بر او واجب است؛ زیرا در صورت امکان اقدام به سفر بدون ترس و واهمه، مطابق با روایات و فتاوی علمای استطاعت صادق است... بله، اگر فرض کنیم به دلیل بیمناکی، انجام حج بر همراهی محرم متوقف باشد، همراه محرم شرط است، هر چند بر محرم، قبول همراهی شرط نیست و اگر همراه، اجرت مطالبه نماید و وی قادر بر آن باشد هر چند مقدار اجرت از اجرت‌المثل بیشتر باشد، پرداخت اجرت واجب است ولی اگر قادر بر پرداخت اجرت نباشد حج بر او واجب نیست؛ زیرا بدیهی است که در این صورت، پرداخت اجرت همانند سایر مقدمات وجودی است که انجام حج بر آن متوقف است و آیا تحصیل اصل محرم در فرضی که حج بر همراهی محرم متوقف است واجب است تا مثلاً تزویج بر او واجب گردد؟ در این حکم اشکال است.» (نجفی، بیّنات، ج ۱۷، ص ۳۳۰).^۱

محقق یزدی رحمته الله همراهی محرم را ولو مستلزم پرداخت اجرت باشد واجب دانسته است که ظهور دارد در اینکه ایشان همراهی محرم را از مقدمات وجودی حج می‌داند اما

۱. «لا فرق فی وجوب الحج بین الذکر و الأُنثی و الخنثی بعد حصول سببه، فلا یشرط حیثیة فی وجوب الحج وجود المحرم فی النساء مع عدم الحاجة إلیه بل یکفی غلبة ظنها بالسلامة علی نفسها و بعضها للرفقة مع ثقات و کونها مأمونة أو غیر ذلك بلا خلاف أجده فیہ بیننا، لصدق الاستطاعة بعد جواز خروجها مع عدم الخوف نصاً و فتوی بدونه ... نعم لو فرض توقف حجها علیه للخوف بدونه اعتبر حیثیة و إن لم یجب علیه الإجابة، و لو اقترح أجره أو نحوها وجب علیها مع استطاعتها لذلك و إن کان أزید من أجره المثل، و إلا لم یجب الحج علیها، ضرورة کونه حیثیة کغیره من المقدمات التي فرض توقف الحج علیها و هل یجب علیها تحصیل أصل المحرم حال توقف الحج علیه فیجب علیها التزویج مثلاً؟ إشکال».

در ادامه، تمکن از پرداخت اجرت به محرم همراه را شرط تحقق استطاعت دانسته و در مورد تحصیل اصل محرم اظهار تردید نموده است (یزدی، بیتا، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۶۷).^۱ شارح عروه، مرحوم حکیم، معتقد است این اظهار تردید بدین جهت است که ایشان احتمال داده تحصیل اصل محرم از باب تحصیل استطاعت باشد که واجب نیست، در حالی که این تردید دچار ضعف است؛ زیرا همان گونه که همراهی محرم از مقدمات وجودی است، محرم نمودن همراه نیز واجب و از باب تحصیل مقدمات وجودی برای واجب مطلق است (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۲۳۲).^۲

محقق آملی رحمته الله در مورد شرط همراهی محرم معتقد است:

«اگر زن از سلامتی در سفر حج اطمینان ندارد، همراه داشتن محرم برای او ولو با پرداخت اجرت واجب است ... و در صورتی که امکان همراهی محرم برایش فراهم نگردد، حج از عهده او ساقط می شود؛ زیرا با منتفی شدن شرط تخلیه السرب (خلو مسیر از مانع) به عنوان شرط استطاعت، استطاعت منتفی می گردد و مانند شخصی می شود که زاد و توشه ندارد.» (آملی، ۱۳۸۰ش، ج ۱۲، ص ۵۷).^۳

ایشان همچنین در مورد وجوب و عدم وجوب تزویج جهت تحصیل محرم فرموده: «اگر تحصیل محرم، فقط بر تزویج متوقف است، ظاهر این است که چنانچه برای زن قبیح نیست و محذور دیگری نیز ندارد، تزویج واجب است؛ زیرا دلیل وجوب همراهی محرم دلالت دارد بر اینکه همراهی محرم از باب وجوب تحصیل مقدمات حج است و از باب دخیل بودن در تحقق استطاعت نیست تا از مقدمات وجوبی

۱. «و لا فرق بین كونها ذات بعل أو لا و مع عدم أمنها يجب علیها استصحاب المحرم و لو بالأجرة مع تمکنها منها و مع عدمه لا تكون مستطیعة و هل يجب علیها التزویج تحویلاً للمحرم و جهان».
۲. «و كأن منشأ توقف المصنف: احتمال أن يكون من شرائط الاستطاعة التي لا يجب تحویلها، مثل: ملك الزاد و الراحلة. لكنه ضعيف، إذ كما يجب استصحاب المحرم في ظرف كونه محرماً، يجب جعله محرماً و استصحابه. لتوقف الواجب المطلق عليه»
۳. «إذا لم تكن مأمونة و جب علیها استصحاب المحرم و لو بالأجرة مع تمکنها منها، و لو كانت أزيد من اجره المثل إذا لم يكن ذلك إجحافاً بها، و الا لم يجب لقاعدة الضرر، و مع عدم تمکنها من استصحاب المحرم يسقط عنها الحج لعدم تحقق الاستطاعة لها لانتفاء تخلية السرب، التي هي مما يعتبر في تحقق الاستطاعة، فتكون كمن لا يتمكن من الزاد و الراحلة».

به حساب آید؛ زیرا بین همراهی محرم موجود و بین ایجاد محرمیت برای غیر محرم فرقی نیست، مگر اینکه ایجاد محرمیت مستلزم حرج شدید باشد.» (همان).^۱

به نظر می‌رسد صدر و ذیل کلام ایشان باهم سازگاری ندارد؛ زیرا این کلام که «اگر زن نسبت به سلامت سفر اطمینان ندارد، همراهی محرم ولو با پرداخت اجرت بر وی واجب است» دلالت دارد بر اینکه همراهی محرم از مقدمات وجودی حج است، چون اگر از شروط تحقق استطاعت باشد، تحصیل استطاعت واجب نیست. بنابراین، اگر امکان همراهی فراهم نباشد، سقوط حج از باب عدم امکان تهیه مقدمات و نه از باب عدم تحقق شرط استطاعت خواهد بود و در این صورت قیاس این مورد با موردی که مکلف زاد و توشه ندارد صحیح نخواهد بود؛ زیرا داشتن زاد و توشه از شرایط تحقق استطاعت است. و اگر ایشان معتقد است همراهی محرم محقق شرط استطاعت (تخلیه السرب) است، در این صورت نباید پرداخت اجرت برای تحصیل شرط استطاعت را واجب بداند.

محقق خوئی رحمته الله از جمله فقیهانی است که همراهی و تحصیل اصل محرم را در صورت نیاز، واجب و از مقدمات وجودی حج محسوب داشته است. ایشان در حاشیه بر کلام محقق یزدی رحمته الله در مورد شرط همراهی محرم برای بانوی حج گزار فرموده‌اند:

«اگر زن احساس امنیت ندارد، همراهی فرد مورد اطمینان؛ خواه محرم و خواه غیر محرم، با او واجب است و محرم بودن خصوصیت ندارد ولو مستلزم پرداخت اجرت برای همراهی باشد؛ زیرا استطاعت که به خلوص مسیر از مانع و امنیت مسیر تفسیر شده حاصل است؛ هر چند بر بعضی از مقدمات وجودی؛ مانند بذل مال و مانند آن متوقف باشد. از این رو، تحصیل این مقدمات واجب است؛ مانند تهیه گذرنامه و خرید مایحتاج و مقدمات سفر و دیگر مقدمات وجودی.

خلاصه اینکه: شکی در لزوم تحصیل این مقدمات و تهیه آن ولو با پرداخت مال، مادامی که مکلف به حرج نیفتد، نیست و تهیه این امور از قبیل تحصیل استطاعت نیست تا گفته شود تحصیل استطاعت واجب نیست.» (خوئی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۶، ص ۲۲۷).^۱

۱. «لو توقف علی خصوص التزوج به فالظاهر وجوبه إذا لم یکن لها فی ذلك شناعة و لا محذور آخر، و ذلك لان الدلیل علی وجوب استصحاب المحرم إذا لم یمكن لها السفر الا مع المحرم لیس إلا لأجل وجوب تحصیل مقدمات الحج و لیس ذلك من جهة دخله فی حصول الاستطاعة حتی یكون من المقدمات الوجوبية إذ لا فرق بین استصحاب المحرم الموجود و بین ایجاد المحرمية لغير المحرم إلا إذا كان فی ذلك حرج شدید علیها».

ایشان همچنین در مورد حکم تحصیل اصل محرم با تزویج فرموده است:

«ظاهراً تزویج واجب است؛ زیرا در تحصیل مقدمات وجودی، بین مقدمات مالی و غیر مالی، در صورتی که مستلزم حرج یا خواری نباشد فرقی نیست. اما اگر تزویج باعث حرج یا خواری مکلف است واجب نیست؛ نظیر پرداخت اجرت جهت همراهی محرم که اگر مستلزم به حرج افتادن مکلف باشد واجب نیست.» (همان).^۲

به نظر می‌رسد کلام این فقیه بزرگوار نیز خالی از ملاحظه نیست؛ زیرا اگر استطاعت - به معنای خلوص مسیر از مانع و امنیت مسیر - برای مکلف حاصل است؛ یعنی مکلف دیگر نیازی به همراهی محرم یا فرد مورد اعتماد یا تزویج جهت تحصیل محرم ندارد و اگر علت مطالبه همراهی محرم یا فرد مورد وثوق یا تحصیل محرم، تحقق امنیت و اطمینان خاطر از امنیت است؛ یعنی مکلف قبل از مطالبه همراهی یا تزویج، اطمینان خاطر نسبت به سلامتی و امنیت در سفر ندارد و این یعنی استطاعت برای او محقق نیست.

در مقابل این نظریه، برخی از فقهای معاصر معتقدند؛ اگر زن نسبت به امنیت سفر حج، اطمینان خاطر ندارد، حج از او ساقط است؛ زیرا بر چنین فردی مستطیع صادق نیست؛ زیرا استطاعت به معنای قدرت بر انجام کار به آسانی و بدون مشقت است. بنابراین، مکلفی که اطمینان خاطر نسبت به امنیت سفر حج ندارد، اگر بدون مشقت قادر است محرم یا فرد مورد اطمینانی را با خود همراه سازد، مستطیع بر وی صدق می‌کند و واجب است حج به جا آورد و الا حج از عهده او، به دلیل عدم تحقق استطاعت، ساقط است. این کلام در مورد

۱. «و إذا لم تكن مأمونة يجب عليها استصحاب من تثق به و تطمئن إليه محرماً كان أو غيره و لا خصوصية لاستصحاب المحرم كما في المتن ولو بالأجرة، لأن الاستطاعة المفسرة بتخلية السرب و الأمن في الطريق حاصلة و إن كانت متوقفة على بعض المقدمات الوجودية كبذل المال و نحوه، فيجب تحصيله نظير تحصيل جواز السفر و شراء الزاد و تهيئة مقدمات السفر و نحوها من المقدمات الوجودية. و الحاصل: لا ريب في لزوم تحصيل هذه المقدمات و تهيئتها و لو بصرف المال في تحصيلها إذا لم تكن حرجية، و ليس ذلك من قبيل تحصيل الاستطاعة حتى يقال بأن تحصيلها غير واجب».

۲. «و الظاهر هو الوجوب، لعدم الفرق في وجوب تحصيل المقدمات الوجودية بين المالية و غيرها إذا لم يكن فيها الحرج و المهانة و إلا فلا يجب، نظير بذل المال لأجل استصحاب المحرم فإنه يفصل بين الحرج و عدمه».

تحصیل محرم به واسطه تزویج نیز جاری است و چنانچه تزویج بدون حرج و مشقت برای مکلف ممکن باشد، استطاعت صادق خواهد بود (مدنی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۵۱).^۱

در اینکه منظور از کلام فوق در تفسیر استطاعت چیست سه احتمال داده می شود:

۱. واژه «استطاعت» در شرع، دارای مصطلح خاصی نیست و همان معنای لغوی مدنظر است. بنابراین، منظور از استطاعت برای حج این می شود که مکلف بتواند به آسانی حج را به انجام رساند. این احتمال علاوه بر اینکه ادعایی است بدون دلیل، با مفاد روایات مفسر استطاعت و رویه فقها در تفسیر استطاعت و تبیین معنای مصطلح فقهی و شرعی برای آن ناسازگار است. علاوه بر اینکه لزوم و عدم لزوم مطالبه همراهی؛ با مشقت همراه باشد یا نباشد، مورد بحث و گفتگوست و به عبارت دیگر؛ بحث در این است که در فرض مطالبه همراهی محرم مشقت نداشته باشد، همراهی دارای چه حکمی است؟

۲. برداشت عرف از استطاعتی که مدنظر شارع است، این است که مکلف بتواند اعمال حج را به سهولت به انجام برساند. این احتمال نیز قابل پذیرش نیست؛ زیرا در صورتی برای تفسیر مفاهیم شرعی به عرف رجوع می شود که شارع خود تفسیری از آن

مبقات حج

۱. « إذا أرادت الحجّ و لم تكن مأمونة على نفسها فهل يسقط الحجّ عنها لعدم صدق الاستطاعة أو يجب عليها استصحاب المحرم أو غيره إذا حصل الاطمئنان لها و لو بالأجرة مع تمكّنها منها و جهان مبینان علی أنّ استصحاب المحرم أو غيره هل هو من قبيل تحصيل الاستطاعة فهو من شرائط وجوب الحجّ أو لا بل هو من شرائط الوجود و الاستطاعة قد حصلت بنفس وجود ما تجبّ به و صحّة البدن و غیرهما من الشرائط فنقول تحصيل من اطمئنّت به سواء كان محرماً أو لا ان كان ممكناً بسهولة و لو بالأجرة مثل ان تكون لها أموال كثيرة و حضر المحرم و كان مجهّزاً لمصاحبته فلا إشكال في وجوب الحجّ عليها لصدق الاستطاعة و اما ان كان تحصيله صعباً فلا إشكال في عدم وجوب الحجّ عليها و لكن الكلام في ان الاستطاعة حاصله و نفي الوجوب براهين الحج للفقهاء و الحجج، (ج ۱، ص ۲۵۲) لوجود الحرج و المشقة أو لعدم صدق الاستطاعة أصلاً لأن الاستطاعة أنّها هي بمعنى القدرة على الأمر بسهولة بدون صعوبة كما عرفت شرحه في المسئلة و الظاهر هو الثاني كما مرّ. و الحاصل أنّه يصدق الاستطاعة مع تمكّنه من المحرم أو غيره ممّن تطمئن بوجوده و لا تصدق مع عدمه كما لا يخفى بل و هكذا نقول في تمكّنها من التزويج فان تمكّنت منه بسهولة مثل حضور من يتزوّج بها و عدم كونه شاقاً عليها و عدم هتك حرمتها بحيث يوجب العسر و الحرج عليها فيصدق الاستطاعة بخلاف عكسه فلا يصدق الاستطاعة و لا يجب الحجّ».

ارائه نکرده باشد، در حالی که در روایات متعدد، استطاعت مدنظر شارع تفسیر شده است.

۳. بعد از اینکه شارع برای ما استطاعت را تفسیر کرد، عرف بیان می کند که استطاعت شرعی در مورد کسی محقق است که به سهولت بتواند اعمال حج را انجام دهد؛ تهیه زاد و توشه برای او به راحتی امکان پذیر باشد و در صورت نیاز به همراهی محرم، به سهولت بتواند محرمی را با خود همراه کند. این احتمال نیز مبتلابه اشکال است؛ زیرا نظر عرف در تبیین مفاهیم و نه در تطبیق مفاهیم بر مصادیق، ارزشمند و مورد پذیرش است.

برخی از مراجع معاصر، پس از بیان این مطلب که اگر امنیت سفر حج، متوقف بر همراهی محرم یا غیر محرم ولو با پرداخت اجرت باشد، همراهی محرم واجب است، این اشکال را مطرح کرده اند که تخلیة السرب (خلو مسیر از مانع) و امنیت، از مقومات استطاعت که تحصیل آن واجب نیست، محسوب می شود و همراهی محرم برای حفاظت از جان و حیثیت مکلف، نوعی کار برای خالی کردن مسیر از مزاحم است. از این رو، همراهی محرم واجب نیست (سبحانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۴۱۳).^۱

ایشان سپس در مقام پاسخ به اشکال فرموده است:

«مفروض این است که مسیر دارای امنیت است و کاروانها با امنیت مسیر را طی می کنند، اما بانوی حج گزار به جهت خصوصیتی که دارد لازم است جز با محرم یا فرد ثقه و مانند آن مسافرت نرود و این همراهی از مقدمات وجودی سفر حج مانند تهیه گذرنامه و پرداخت عوارض و مالیات جهت خروج از کشور و ورود به کشور دیگر به حساب می آید، مشروط بر اینکه این مقدمات برای بانوی حج گزار مستلزم حرج نباشد. بلکه در صورتی که مکلف توان پرداخت اجرت را ندارد یا مستلزم حرج است، حج بر او واجب نیست؛ زیرا قدرت بر انجام مقدمات را ندارد. این پاسخ در فرضی است که تحصیل امنیت متوقف بر همراهی محرم باشد، اما اگر متوقف بر وجود همراه هر چند غیر محرم باشد، واجب است از وی طلب همراهی نماید، هر چند با وی

۱. «إذا توقّف الأمن علی استصحاب المحرم أو غيره ولو بالأجرة يجب استصحاب المحرم. إن قلت: إنّ تخلية السرب من مقومات الاستطاعة التي لا يجب تحصيلها، و استصحاب المحرم للحفاظ على النفس و النفيس نوع عملية لتخلية السرب عن المزاحم و عنده لا يجب الاستصحاب».

محرم نباشد؛ زیرا آنچه واجب است تحصیل امنیت است، خواه با همراهی محرم یا غیر محرم به دست آید.» (همان).^۱

ایشان تحصیل مؤمن (فرد یا افرادی که باعث اطمینان خاطر شخص از امنیت سفر باشد) را از مقدمات وجودی حج دانسته و در صورتی که تحصیل مؤمن متوقف بر تزویج باشد فرموده است:

«ممکن است گفته شود بین همراهی محرم و تحصیل همراه تفاوت وجود دارد؛ زیرا همراهی محرم مقدمه نیست تا از باب مقدمات وجودی حج، ایجادش واجب باشد، بلکه آنچه مقدمه است همراهی مؤمن است و در این جهت فرقی بین زن و مرد نیست. از این رو، بر زن هم تحصیل مؤمن واجب است به اینکه با محرم یا برادر قابل اعتماد یا قافله بزرگی و مانند آن همراه شود. بلیه اگر خود همراهی محرم را از مقدمات حج بدانیم تحصیل همراهی ولو با ایجاد محرمیت واجب است. علاوه بر اینکه عرفاً بین توقف تخلیه السرب بر پرداخت مال برای عبور یا اجاره فردی که از کاروانیان دفاع کند و بین تزویج بانوی حجگزار فرق است و عرف، مورد اول و دوم را فقط از مقدمات واجب می‌داند، هر چند از مقدمات دانستن مورد سوم مطابق با احتیاط است.» (همان).^۲

میقات حج

۱. «قلت: المفروض انَّ السرب مَخْلَى و القوافل تسیر بأمان، لكن للمرأة خصوصية تلزمها على أن لا تسافر إلا بمحرم أو ثقة أو غير ذلك، و هذا يعدُّ من قبيل المقدمات الوجودية للسفر كتحصيل جواز السفر و دفع الضريبة للعبور من بلد إلى بلد، كل ذلك إذا كان بذل المال، أمرا غير حرجي للمرأة. نعم مع عدم الأجرة، أو كونها حرجية، لا يجب الحج، لعدم التمكن من المقدمة. هذا إذا كان تحصيل الأمن متوقفا على استصحاب المحرم، و أما إذا كان متوقفا على وجود من تصحبه و إن لم يكن محرما و جب عليها استصحابه و إن لم يكن محرما، لأن الواجب تحصيل الأمن سواء تحقق بالمحرم أو بغيره».

۲. «و يمكن أن يقال بوجود الفرق بين استصحاب المحرم و تحصيله، لأن استصحاب المحرم ليس مقدمة حتى يجب إيجاده من باب المقدمة، بل المقدمة استصحاب المؤمن، من غير فرق بين الرجل و المرأة، فيجب عليها تحصيل المؤمن، إما باستصحاب المحرم أو الأخ الثقة، أو القافلة الكبيرة أو غير ذلك. نعم لو كان استصحاب المحرم بخصوصه مقدمة، فيجب تحصيله و لو بإيجاده. أضف إلى ذلك أنه فرق لدى العرف بين توقف تخلية السرب على دفع الأجور للعبور، أو إجارة من يدافع عن القوافل، و بين تزويج المرأة بشخص، حيث يرى الأولين مقدمة للواجب، بخلاف الثالث، نعم

در نقد کلام ایشان ممکن است گفته شود گرچه ملاک تحقق استطاعت، تحقق امنیت واقعی است. اما قطع مکلف و اطمینان و حتی ظن وی - مطابق با تصریح فقها در کلماتی که از آنان گذشت - راهی به سوی رسیدن به این واقع است. بنابراین در نهایت، باید برای مکلف اطمینان خاطر نسبت به عدم مانع در مسیر و تحقق امنیت حاصل باشد تا بتواند نسبت به سفر و تهیه مقدمات حج اقدام کند. از این رو باید گفت بر مکلف تحصیل امنیت واجب نیست و مادام که مکلف ظن و گمان به امنیت و سلامتی خود در پیمودن سفر حج ندارد، مستطیع محسوب نمی شود هر چند مفروض این باشد که مسیر امن است و کاروان‌ها با امنیت مسیر را طی کنند. در نتیجه مطالبه همراهی محرم یا فرد مورد وثوق نیز بر او واجب نخواهد بود.

همچنین به نظر می رسد کلام ایشان در مورد وجوب تحصیل مؤمن به عنوان شرط وجودی حج، خالی از ملاحظه نباشد؛ زیرا نمی توان در مورد شرط وجوب تحصیل مؤمن، تصور دیگری غیر از وجوب تحصیل امنیت برای سفر داشت و در این صورت اگر تخلیه السرب و امنیت، از مقومات استطاعت است، تحصیل آن واجب نیست. بنابراین، چگونه می توان تحصیل مؤمن را واجب دانست؟

تحقیق و بیان رأی مختار:

با توجه به آنچه گذشت می توان نظرات فقها در باب لزوم و عدم لزوم همراهی محرم در صورت نیاز به همراهی را در چند شماره خلاصه نمود:

۱. همراهی محرم و مالک بودن مخارج همراه، شرط تحقق استطاعت است؛
۲. همراهی محرم از مقدمات وجودی حج است؛
۳. وجود محرم، شرط تحقق استطاعت است؛
۴. همراهی محرم از مقدمات وجودی حج است، اما نسبت به لزوم و وجوب تحصیل اصل محرم، تردید وجود دارد؛
۵. همراهی محرم از مقدمات وجودی حج و تمکن از پرداخت اجرت به محرم همراه شرط تحقق استطاعت است؛

الأحوط ذلك خصوصا إذا كان أمرا سهلا، كتزويج بنتها الصغيرة أو بنت بنتها، مدة قليلة فتصبح محرما للزوج.»

۶. همراهی محرم محقق شرط تخلیه السرب به عنوان شرط استطاعت است. تحصیل اصل محرم، واجب و از مقدمات وجودی حج محسوب می شود؛

۷. همراهی محرم و تحصیل محرم واجب و از مقدمات وجودی حج است و در مقدمات وجودی فرقی بین مقدمات مالی و غیرمالی نیست؛

۸. اگر زن در فرض نیاز نتواند به آسانی محرمی را با خود همراه سازد، مستطیع بر او صادق نیست. این سخن در مورد تحصیل محرم نیز جاری است.

مفروض این است که مسیر دارای امنیت است اما بانوی حج گزار به جهت خصوصیتی که دارد لازم است جز با محرم یا فرد ثقه و مانند آن مسافرت نرود و این همراهی از مقدمات وجودی سفر حج به حساب می آید.

همان گونه که مشاهده می شود، فقها در مورد شرط همراهی محرم دیدگاه های متفاوت با یکدیگر دارند. برخی این شرط را شرط تحقق استطاعت دانسته و برخی آن را از مقدمات وجودی حج شمرده اند. بدیهی است چنانچه شرط همراهی محرم را از شروط تحقق استطاعت بدانیم، مطالبه همراهی و پرداخت اجرت به همراه جهت همراهی واجب نیست، اما اگر همراهی محرم از مقدمات وجودی حج به حساب آید، بر بانوی مستطیع لازم است ولو با پرداخت اجرت، همراهی محرم را مطالبه کند. بنابراین، روشن است که تفاوت دیدگاه فقها در مورد این شرط، ناشی از اختلاف آنان در تفسیر استطاعت و تبیین گستره آن است. از این رو، لازم است قبل از هر گونه داوری در این ارتباط، با مراجعه به ادله و اسناد پشتیبان، نظر شارع را در تفسیر استطاعت جویا شویم.

تفسیر استطاعت شرعی

مطابق با آیه شریفه ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ (آل عمران: ۹۷) و با توجه به اینکه کلمه «سَبِيلًا» تمیز برای فعل «اسْتَطَاعَ» است و منظور از آن را مشخص می کند (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۳۵۵)؛^۱ هر کس توان و استطاعت لازم در پیمایش مسیر و رسیدن به مکه و انجام اعمال و مناسک حج را دارا باشد حج بر او واجب است.

۱. «قوله: سَبِيلًا تمیز من قوله: استطاع».

مطابق با روایات رسیده در تفسیر آیه شریفه، این استطاعت، بر اموری مثل دارا بودن مال جهت مخارج سفر و اداره زندگی پس از بازگشت، سلامتی و تندرستی به جهت قدرت داشتن بر پیمایش مسیر و انجام اعمال و خالی بودن مسیر از مانع به معنای اطمینان خاطر از امنیت و سلامت سفر، متوقف است (حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۵)^۱ که اگر هر کدام از این امور محقق نباشد، فریضه حج بر عهده مکلف قرار نمی گیرد. اما بعد از اینکه مکلف چنین استطاعتی برایش حاصل شد، باید به این سفر اقدام کند و تهیه مقدمات سفر مانند تهیه وسایل لازم جهت سفر، تهیه مرکب، اخذ گذرنامه و روادید، پرداخت عوارض و مانند این‌ها بر او واجب می گردد. البته هر گاه نتواند هر یک از این مقدمات را قبل از اتمام فرصت انجام عمره و درک حج فراهم نماید، در آن سال حج از او ساقط است و وجوب حج در سال آتی متوقف بر بقای استطاعت و امکان تهیه مقدمات در آن سال خواهد بود (همان، ج ۱۱، ص ۳).

بنا بر آنچه گذشت، روشن شد که شرایط تحقق استطاعت در مورد مردان و زنان با یکدیگر تفاوتی ندارد. از این رو، همراهی محرم یا فرد مورد اعتماد در حصول استطاعت برای زن شرط نیست و آنچه ملاک و معیار در تحقق استطاعت و تعلق وجوب حج بر عهده بانوان است، قطع و اطمینان به سلامت و امنیت سفر است که ممکن است همان گونه که در برخی روایات نیز بدان اشاره شده این قطع و اطمینان و حتی ظن به سلامت، بدون مطالبه همراهی

۱. یک؛ «أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ذَرِيحِ الْمُحَارَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يُحِجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ لَمْ يَمْنَعُهُ مِنْ ذَلِكَ حَاجَةٌ تُجْحِفُ بِهِ أَوْ مَرَضٌ لَا يَطِيقُ فِيهِ الْحَجَّ أَوْ سُلْطَانٌ يَمْنَعُهُ فَلْيَمْتَّ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا».

دو؛ «مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الطُّوسِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» قَالَ: هَذِهِ لِمَنْ كَانَ عِنْدَهُ مَالٌ وَ صِحَّةٌ وَ إِنْ كَانَ سَوْفَهُ لِلتَّجَارَةِ فَلَا يَسَعُهُ وَ إِنْ مَاتَ عَلَى ذَلِكَ فَقَدْ تَرَكَ شَرِيعَةً مِنَ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ إِذَا هُوَ يَجِدُ مَا يُحِجُّ بِهِ»

سه؛ «وَفِي كِتَابِ التَّوْحِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» مَا يَعْنِي بِذَلِكَ قَالَ: «مَنْ كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ مُخْلِئًا سَرُّهُ لَهُ زَادَ وَ رَاحِلَةً».

محرم یا فرد مورد اعتماد و صرفاً با علم به همراه بودن در سفر با کاروان متشکل از جمعی از مؤمنین مورد اعتماد حاصل شود (ج ۲، ص ۲۸۲؛ ج ۲، ص ۴۳۸).^۱

از این رو، اگر در کلام برخی فقها، همراهی محرم شرط تحقق استطاعت دانسته شده باید اشاره به فرضی باشد که محرم بخواهد داوطلبانه و بدون مطالبه مکلف با وی در سفر حج همراه باشد؛ زیرا اگر مکلف بداند در سفر حج، محرمی با او همراه است، غالباً برای وی قطع به امنیت و در نتیجه استطاعت حاصل می‌شود. آری، ممکن است محرم در عین اینکه حاضر است داوطلبانه با مکلف همراه باشد و در این همراهی نیز مطالبه اجرت ندارد، قادر بر تأمین مخارج سفر خود نباشد؛ در این صورت همان گونه که علامه حلی رحمته الله و برخی دیگر از فقها بیان داشته‌اند، مالک بودن هزینه سفر خود و همراه، شرط تحقق استطاعت مالی برای مکلف است.

بنابراین، قطع و اطمینان خاطر نسبت به سلامتی و امنیت سفر گرچه با همراه شدن با محرم یا فرد مورد وثوق حاصل می‌شود، اما مطالبه همراهی، بر بانو به دلیل اینکه تحصیل استطاعت محسوب می‌شود مطابق با روایات (عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۵۴)،^۲ واجب نیست. بله، اگر محرم یا فرد مورد اعتماد در سفر با وی همراه باشد یا به وی پیشنهاد همراهی دهد و اجرتی هم برای این کار مطالبه ننماید و محذور دیگری هم در این همراهی نباشد، چون قطع به سلامت و در نتیجه استطاعت در پیمایش مسیر برای مکلف حاصل می‌شود، و جوب حج بر عهده مکلف قرار می‌گیرد.

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت مقدمه وجودی انگاشتن همراهی محرم برای جوب حج، انگاره صحیحی نیست و همان گونه که بیان شد اگر برخی از فقها وجود محرم را شرط تحقق استطاعت دانسته‌اند، از این باب بوده که غالباً با علم به وجود همراه محرم در سفر حج، قطع به سلامت و در نتیجه استطاعت برای بانوان حاصل است.

همچنین به نظر می‌رسد تعبیر «نیاز به همراه» در بیان این شرط صحیح نیست؛ زیرا یا اطمینان خاطر نسبت به امنیت سفر حاصل است که در این صورت، فرض نیاز به همراهی

۱. «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ إِلَى مَكَّةَ بِغَيْرِ وَلِيٍّ؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ تَخْرُجُ مَعَ قَوْمٍ ثِقَاتٍ.»
 ۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ بِغَيْرِ حَرَمٍ؟ فَقَالَ: إِذَا كَانَتْ مَأْمُونَةً وَ لَمْ تَقْدِرْ عَلَى حَرَمٍ فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ.»

بی‌معناست و یا اطمینان خاطر وجود ندارد که در این صورت هم تحصیل آن با مطالبه همراهی از محرم یا فرد مورد اعتماد، واجب نیست.

اما نکته مهم دیگری که باید به آن پرداخت این است که آیا ملاک در تحقق استطاعت سربی مستفاد از آیه شریفه و روایات، تحقق ظن و اطمینان خاطر نسبت به امنیت سفر برای نوع مکلفین است یا ملاک، اطمینان خاطر شخصی است؟

به نظر می‌رسد مراجعه به روایات مفسر استطاعت در آیه شریفه، بیانگر این است که ملاک در تحقق استطاعت، تحقق اطمینان خاطر برای شخص مکلف است و تعبیر امام علیه السلام به «مُحَلِّي سَرْبِيَّةً» ظهور دارد در اینکه اگر در واقع، مسیر سفر حج، خالی از مانع و همراه با امنیت باشد و برای شخص مکلف، ظن و گمان یا اطمینان به این امنیت حاصل شود، مستطیع محسوب می‌شود. البته با توجه به اینکه روایات، در صدد بیان ضابطه کلی برای مکلفین است باید ملاک را ظن و گمان و اطمینان شخصی نوعی دیده شده قرار داد.^۱ به این معنا که هر فرد دیگر هم؛ چنانچه خود را در جایگاه مکلف قرار دهد و شرایط زندگی و خصوصیات شخصی او را داشته باشد برای او نیز چنین ظن و اطمینانی به امنیت یا عدم امنیت حاصل شود و به عبارت دیگر، اسباب حصول ظن و اطمینان برای مکلف، اسباب عقلایی و مورد پذیرش عقلاً باشد. ممکن است گفته شود شرط بودن ظن و اطمینان عقلایی نسبت به امنیت، مستلزم تفحص و تفتیش از رویه عقلاً نسبت به اقدام و عدم اقدام آنان به سفر حج در هر سال و کسب اطمینان از وجود امنیت است، در حالی که فقها در شبهات موضوعیه یا به عبارت صحیح و دقیق، در شبهات مصداقیه، تفحص را لازم و واجب نمی‌دانند. از این رو، مکلف با تردید در تحقق امنیت نسبت به سفر حج و بدون هرگونه تفحص و تفتیش، می‌تواند با استناد به براءت، وجوب حج را نسبت به خود منتفی بداند و این بدان معناست که ملاک در تحقق استطاعت، اعتقاد شخص مکلف است.

در پاسخ به این اشکال باید گفت گرچه فقها در اجرای براءت در شبهات موضوعیه، تفحص را لازم ندانسته‌اند، اما قطعاً می‌توان ادعا کرد که عقل حاکم است به اینکه هدف شارع مقدس از ایجاد معذوریت برای مکلف با احادیثی مانند حدیث رفع، تنبیل پروری

۱. این تعبیر برگرفته از درس خارج استاد علی‌دوست است.

نیست و شارع نمی‌خواهد چنین القا کند که مکلف در اجرای برائت، به کمترین تفحص و تفتیش نیز در مورد موضوع مورد تردید نیاز ندارد. بلکه هدف شارع این است که برای مکلف با اجرای برائت پس از تفحص و تفتیش معمول که غالباً موجب مشقت و سختی مکلف نیست، معذوریت ایجاد نماید. از این رو، در صدد کلفت و مشقت مکلف با تکلیف به تفحص زیاد بر نیامده است.

بله، از برخی روایات باب طهارت چنین استنباط می‌شود که در شبهات مصداقیه، در خصوص طهارت و نجاست، شارع حتی تفحص اندک را نیز شرط ندانسته است، اما به نظر می‌رسد عدم لزوم حتی اندکی از تفحص، به شبهات موضوعیه در باب طهارت اختصاص دارد و مصالح مهم‌تری همچون عدم ابتلای مکلف به وسواس و عدم اسراف در استفاده از آب در تطهیر و عدم مشقت مکلف برای تطهیر، خصوصاً در زمان صدور روایات که دسترسی به آب به راحتی زمان حاضر نبوده است اقتضا داشته تا شارع در این نوع شبهات، حتی بدون تفحص اندک نیز مکلف را معذور بدارد، اما در سایر شبهات موضوعیه، حکم قطعی عقلی بیان شده جاری و حاکم است. از این رو است که محقق یزدی رحمته‌الله در فرض اعتقاد مکلف به وجود مانع؛ مانند دشمن یا اعتقاد به ضرر یا حرج و کشف خلاف فرموده است:

«آیا حج بر عهده چنین مکلفی مستقر می‌شود یا نه؟ دو وجه است و وجه اقوی عدم استقرار حج است؛ زیرا ملاک در ضرر، خوف ضرر است که برای مکلف حاصل است، مگر اینکه اعتقادش خلاف رویه عقلا و بدون تفحص و تفتیش باشد.» (یزدی، بی تا، ج ۴، ص ۴۲۰)^۱

طبق نظر محقق یزدی رحمته‌الله چنانچه مکلف بر اساس اعتقادی بی‌بنیان و برخلاف رویه عقلا و بدون هرگونه تفحص و تفتیش از امنیت مسیر حج و سایر اموری که می‌تواند موجب ظن و اطمینان به سلامت سفر باشد از رفتن به سفر حج امتناع ورزد و سپس برای وی کشف خلاف شود و متوجه وجود امنیت در مسیر گردد، حج بر عهده اش مستقر می‌شود.

۱. «و إن اعتقد المانع من العدو أو الضرر أو الحرج فترك الحج فبان الخلاف، فهل يستقر عليه الحج أو لا؟ وجهان، و الأقوی عدمه؛ لأنّ المناط في الضرر الخوف و هو حاصل، إلا إذا كان اعتقاده على خلاف رویة العقلاء و بدون الفحص و التفتیش.»

برخی از مراجع معاصر معتقدند حتی در صورتی که اعتقاد به ضرر، برخلاف رویه عقلا باشد نیز حج مستقر نمی‌شود؛ زیرا خوف، موضوع برای حرمت سفر است؛ خواه دشمن وجود داشته باشد یا نه و در این صورت، حج بر چنین مکلفی واجب نیست و وجوب حج بر وی متوقف بر بقای استطاعت تا سال آتی است (سبحانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۳۰۴).^۱

در نقد سخن فوق، چنین به نظر می‌رسد که «خوف» گرچه موضوع برای حرمت مطلق سفر است، اما مطابق با روایات، ملاک تحقق استطاعت در حج، نبود خوف نیست، بلکه ظن و اطمینان به وجود امنیت در سفر است و به عبارت دیگر، روایات مفسر استطاعت، ظن و اطمینان به امنیت و سلامت سفر را شرط دانسته و خوف از سفر را مانع نمی‌دانند. از این رو، وقتی در روایات مفسر شرایط وجوب حج، از لزوم همراهی محرم یا از حکم وجوب حج در مورد بانویی که محرمی همراه ندارد سؤال می‌شود، امام علیه السلام حتی در فرض خوف زن نسبت به انجام حج و عدم امکان همراهی همسر یا برادر یا پسر برادر، انصراف از انجام مناسک را شایسته زن ندانسته و ممانعت اطرافیان از انجام حج را روا نشموده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۰۱).^۲ و نیز حضرت در برخی روایات، به لزوم تحقق اطمینان خاطر نسبت به امنیت در سفر تصریح نموده و یا همراهی با گروهی از افراد مورد اعتماد را به مکلف توصیه می‌کنند و به دلیل خوف از سفر، حج را ساقط اعلام نمی‌کنند (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۲، ص ۲۸۲؛ صدوق، ۱۴۱۳ش، ج ۲، ص ۴۳۸).^۳

۱. «و الظاهر عدم الاستقرار حتی فیما لو کان اعتقاده علی رویة العقلاء، لما عرفت من أن الخوف موضوع لحرمة السفر، و قد أخذ علی وجه الموضوعیة، سواء أ كان فی الواقع عدو أو لا، فحینئذ لم یکن الحجّ معه واجبا، فإن بقیت الاستطاعة إلی السنة القادمة فیحجّ و إلا فلا حتی و إن کان اعتقاده علی خلاف رویة العقلاء، لآنه علی کلّ تقدیر یحسّ الخطر و یخاف من السفر و إن لم یکن لخوفه عند العقلاء وجه».

۲. «و عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ بِغَيْرِ وَلِيٍّ؟ قَالَ: لَا بَأْسَ وَإِنْ كَانَ لَهَا زَوْجٌ أَوْ أَخٌ أَوْ ابْنٌ أَوْ أَخٌ فَأَبُوا أَنْ يُحْجُّوا بِهَا وَ لَيْسَ لَهُمْ سَعَةٌ فَلَا يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تَقْعُدَ عَنِ الْحَجِّ وَ لَيْسَ لَهُمْ أَنْ يَمْنَعُوهَا».

۳. «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ إِلَى مَكَّةَ بِغَيْرِ وَلِيٍّ؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ تَخْرُجُ مَعَ قَوْمٍ ثِقَاتٍ». «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ بِغَيْرِ مُحْرَمٍ؟ فَقَالَ: إِذَا كَانَتْ مَأْمُونَةً وَ لَمْ تَقْدِرْ عَلَى مُحْرَمٍ فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ».

به دیگر سخن، آنچه از روایات قابل استنباط است، این است که شرط تحقق استطاعت، ظن و اطمینان عقلایی به وجود امنیت است و خوف نمی‌تواند مانع از وجوب حج شود، هر چند موضوع برای حرمت سفر در غیر حج باشد. بنابراین، اگر مکلف به دلیل خوف، از رفتن به سفر حج امتناع ورزید، پس از کشف خلاف و علم به تحقق امنیت در سفر حج، بعد از اتمام زمان انجام مناسک و با توجه به ملاک بودن اطمینان عقلایی، مشخص می‌گردد که شرایط تحقق استطاعت برای مکلف فراهم بوده و وی موظف به اقدام به حج بوده است؛ از این رو، حج بر عهده‌اش مستقر می‌گردد.

با توجه به مباحث مطرح شده فوق، روشن شد ظن به سلامت در سفر حج و در زمان انجام اعمال و مناسک حج و عمره، از مقومات استطاعت است و اگر مکلف معتقد به نبود امنیت بوده و از سفر حج امتناع ورزد در صورت کشف خلاف، تنها در فرضی معذور است که اعتقاد او مطابق با رویه عقلی باشد.

اما سؤالی که ممکن است در این مجال پیش بیاید این است که:

اگر مکلف با اعتقاد به نبود امنیت، اقدام به سفر حج کند و حج خود را در امنیت کامل

به‌جا آورد، در فرض کشف خلاف و مطابقت اعتقاد با واقع، حکم حج وی چیست؟

در پاسخ این پرسش باید گفت هر فرد، مکلف به انجام تکلیف واقعی است و قطع اطمینان و ظن مکلف، راهی به سوی واقع است و با کشف خلاف، مکلف متوجه می‌شود اعتقادش نسبت به نبود امنیت، خلاف واقع بوده و تکلیف واقعی خود را انجام داده است. بنابراین، قطعاً می‌توان به مجزی بودن عمل وی حکم کرد، اما فقها در مورد حج مکلفی که متوجه شود اعتقادش مطابق با واقع بوده و امنیت محقق نیست و در عین حال به هر شیوه ممکن اعمال حج را بجا آورده اختلاف نظر دارند. مشهور فقها قائل به عدم اجزاء شده‌اند (یزدی، بی تا، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۲۴).

شهید اول علیه السلام قول به اجزاء را برگزیده، جز اینکه نبود امنیت مقارن با انجام برخی مناسک منجر به ضرر جانی شود که در این صورت عدم اجزاء را محتمل دانسته است (مکی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۱۴). برخی نیز معتقد به تفصیل بین تحمل ضرر در مقدمات و بین تحمل ضرر همراه با انجام اعمال شده و تنها در فرض اول قائل به اجزاء شده‌اند (نراقی، ۱۴۱۵ق، ص ۶۴).

دلیل مشهور بر عدم اجزاء این است که خلو مسیر از مانع (تخلیه السرب) و صحت بدن، شرط وجوب حج بوده و انجام حج بدون تحقق این دو شرط مانند انجام حج با تنگدستی و غیر مجزی از واجب است^۱ (سبحانی، ۱۴۲۶ق، ص ۳۱۶).

برخی از مراجع معاصر با ردّ قول مشهور معتقدند سخن مشهور در فرضی صحیح است که مکلف هنگام انجام اعمال حج نیز فاقد این شروط باشد، اما چنانچه از میقات، امنیت حاصل بوده و اعمال همراه با فقد شرط امنیت انجام نپذیرد، مکلف، مستطیع بوده و حش محکوم به وجوب است؛ زیرا حلیت مقدمات شرط صحت حج و وجوب آن از میقات نیست؛ از این رو، گفته شده کسی که با تنگدستی خود را به میقات برساند و در میقات مستطیع شود، مستطیع محسوب شده و حج او مجزی از حج واجب است^۲ (همان).

قول شهید اول^۳ نیز مورد مناقشه قرار گرفته و گفته اند این استثنا خصوصیت ندارد، زیرا هنگام مقارنت، فرقی بین خوف از دشمن و ضرر به نفس یا حرج نیست^۳ (همان) بنابراین، باید گفت همان گونه که محقق خویی^۴ نیز معتقد است قول صحیح، قول تفصیل است (خویی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۲۹) و حاصل آن چنین می شود: حج چنین شخصی زمانی مجزی از حج واجب است که اعمال او مقارن و همزمان با عدم امنیت نباشد و به عبارت دیگر، نبود امنیت تا میقات، مضر به صحت حج نیست. اما از آنجا که امروزه محل بحث از امنیت در سفر حج، امنیت در زمان حضور در سرزمین وحی و هنگام انجام اعمال است، همان گونه که بیان شد با فقدان شرط امنیت در زمان انجام مناسک، حج انجام گرفته مجزی از حج واجب نیست.

۱. «... فلان تخلیه السرب و صحه البدن أخذ فی موضوع وجوب الحج، فالحج مع فقد الأمن و المرض، كالحج متسكعا، فلا يجزی عن الواجب...»
۲. «یلاحظ علیه: أنه صحیح إذا تزامنت هذه الامور، المناسك و الإحرام من المواقیت فهو إما غیر مستطیع أو حجه غیر واجب و أما إذا صار السرب آمنا بعد المیقات و صار مصحبا بعده و لم تكن الأعمال متزامنه مع الضرر و الحرج فهو مستطیع محكوم حجه بالوجوب، لأن حلیه المقدمه لیست شرطا فی صحه الحج و وجوبه من المیقات، و لذلك قالوا بأن المتسكع لو استطاع عند المیقات، فهو مستطیع و حجه مجزی.»
۳. «یلاحظ علیه: أنه لا وجه لإستثناء خصوص الإضرار بالنفس إذا قارن بعض المناسك، إذ عند المقارنه لا فرق بین الخوف من العدو و الضرر بالنفس، أو الحرج...»

نتیجه گیری

اکنون و پس از مراجعه به ادله و بررسی کلمات فقها می توان سؤالات مطرح در ابتدای پژوهش را به شرح ذیل پاسخ داد:

۱. استفاد از ادله این است که شرط تحقق استطاعت سیبلی یا سربی برای زن و مرد یکسان و عبارت از تحقق امنیت در مسیر حج و خالی بودن مسیر از هرگونه مانع است. بنابراین، اگر مکلف، قطع یا اطمینان یا ظن به سلامت نسبت به سفر حج و انجام مناسک داشته باشد؛ مثل اینکه بداند در سفر حج با محرم یا فرد یا افراد مورد اعتمادی همراه است؛ به گونه ای که امنیت جان و مال و آبروی وی با این همراهی تأمین می گردد و سایر شرایط معتبر در استطاعت نیز برای وی فراهم باشد، مستطیع محسوب می شود؛ از این رو، امام علیه السلام در پاسخ به راوی در خصوص اینکه آیا زن می تواند بدون همراهی محرم به حج برود، مأمون بودن و اطمینان خاطر وی نسبت به حج را شرط جواز اقدام به حج بیان می دارند (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۲۸۲).^۱ بنابراین، مادام که چنین قطع یا اطمینان و ظنی برایش حاصل نشود، مستطیع بر او صادق نیست. البته لازم است اسباب حصول ظن و اطمینان برای مکلف، اسباب عقلایی و مورد پذیرش عقلا باشد.

۲. همراهی محرم یا فرد یا افراد مورد وثوق و اطمینان می تواند محقق شرط استطاعت (امنیت مسیر) باشد و محرم بودن همراه، موضوعیت ندارد، اما نمی توان آن را از مقدمات وجودی حج به حساب آورد. بنابراین مطالبه همراهی و به دنبال آن پرداخت اجرت جهت همراهی، واجب نیست.

۳. تحصیل استطاعت واجب نیست، اما چنانچه خود مکلف شرایط استطاعت را برای خود ایجاد کند؛ مثل اینکه همراهی محرم یا فرد مورد وثوق را مطالبه کند، یا سازمان حج افراد امین، کار بلد و توانا را جهت حصول اطمینان خاطر با آنان همراه سازد، شرط استطاعت حاصل و حج بر عهده مکلف واجب می شود.

۴. ملاک در تحقق استطاعت و وجوب حج، امنیت واقعی است و قطع، اطمینان یا ظن مکلف، راهی برای کشف واقع است. بنابراین، چنانچه بانوی حج گزار با اعتقاد به

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْمُرَاةِ تُرِيدُ الْحُجَّ لَيْسَ مَعَهَا مُحْرَمٌ هَلْ يَصْلِحُ لَهَا الْحُجُّ؟ فَقَالَ: نَعَمْ إِذَا كَانَتْ مَأْمُونَةً.»

نبود امنیت و سلامت، اقدام به حج نماید، در فرض کشف خلاف، مکلف متوجه می‌شود اعتقادش نسبت به نبود امنیت برخلاف واقع بوده و تکلیف واقعی خود را انجام داده است. بنابراین، به یقین می‌توان به مجزی بودن عمل وی حکم کرد و در فرض مطابقت اعتقادش با واقع، چنانچه از میقات امنیت حاصل باشد حج او مجزی از حج واجب است، اما چنانچه فقدان شرط امنیت همزمان و مقارن با انجام مناسک باشد، نمی‌توان قائل به اجزاء شد. همچنین چنانچه برای مکلف بعد از تفحص و تفتیش از رویه عقلا در اقدام به حج، ظن یا اطمینان به عدم امنیت محقق شود، در فرض کشف خلاف، حج بر عهده او استقرار نمی‌یابد.

منابع:

* قرآن کریم

۱. آملی، میرزا محمدتقی (۱۳۸۰ش)، مصباح الهدی فی شرح عروة الوثقی، تهران، انتشارات مؤلف.
۲. حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ق)، مستمسک عروة الوثقی، قم، موسسه دار التفسیر.
۳. حلی (فخر المحققین)، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ش)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم، انتشارات مؤسسه اسماعیلیان.
۴. حلی (ابن فهد) جمال‌الدین احمد بن محمد اسدی (۱۴۰۹ق)، الرسائل العشر، قم، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۵. حلی (علامه) حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق)، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۶. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، موسوعة الامام الخوئی، قم، انتشارات مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۷. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۶ق)، معتمد عروة الوثقی، قم، انتشارات منشور مدرسه دارالعلم.
۸. سبحانی، جعفر (۱۴۲۶ق)، الحج فی الشریعة الاسلامیة الغراء، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

١٠. طباطبائي، سيد محمد حسين (١٣٧٤ش)، الميزان في تفسير القرآن، قم، انتشارات جامعة مدرسين حوزه علميه قم.
١١. طوسي، محمد بن حسن (١٤٠٧ق)، تهذيب الاحكام، تحقق: خراسان، حسن الموسوي، تهران، دار الكتب الإسلامية.
١٢. عاملی، (شيخ حر)، محمد بن حسن (١٤٠٩ق)، وسائل الشيعه، قم، انتشارات آل البيت.
١٣. كاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالكي (١٤٢٠ق)، كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي.
١٤. كليني، محمد بن يعقوب (١٣٦٥ش)، كافي، تهران، انتشارات دار الكتب الاسلاميه.
١٥. مدني كاشاني، حاج آقا رضا (١٤١١ق)، براهين الحج للفقهاء و الحجج، كاشان، انتشارات مدرسه علميه آيت الله كاشاني.
١٦. مكّي عاملي، محمد (١٤١٧ق)، الدروس الشرعية في فقه الاماميه، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
١٧. نجفي، محمد حسن (بي تا). جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام، انتشارات دار احياء تراث عربي، بيروت.
١٨. نراقي، ملا محمد مهدي (١٤١٥ق)، مستند الشيعة في احكام الشريعة، قم، انتشارات آل البيت.
١٩. يزدي، سيد محمد كاظم (١٤١٩ق)، عروة الوثقى (محشى)، قم، انتشارات جامعة مدرسين.